



○ معنویت در هنر

○ گروه نویسندگان و مترجمان

○ سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۱

در تعریف افلاطونی - ارسطویی هنر، ساحت ابداعی حیات آدمی از مقام عرشی خود تنزل و به زمین تعلق پیدا می‌کند. هنر برای هنر و صرف بیان زیبایی این جهانی، بدون آنکه آدمی به روح و باطن غیبی عالم محسوس انتقال پیدا کند و معنویت هنر را دریابد، مرا به جایی نخواهد برد. اگر هنر به فرم و فرمالیسم گرایش پیدا کرده است، این میل به ذات هنر جدید و مدرن و پست مدرن بر می‌گردد. بشر در جهان کنونی و پس از یک مسیر چهار صد ساله در مدرنیته و اومانیته به یک بی معنایی رسیده است. اغلب به فرم و صورت پناه می‌برد و اشتغال به الفاظ و الحان در شعر و موسیقی نیز همین فرم پرستی متعارف است. این امر، تفکیک ذاتی هنر جدید، مدرن و پست مدرن را با هنر سنتی آشکار می‌کند. هنری که در جهان اسطوره‌ای و دینی طی یک عمل ابداعی آیینی و نیایشی تکوین پیدا می‌کرد. فرم در هنر آیینی نماد پیدایش و ظهور یک معنای باطنی و آسمانی بود.

هر هنرمند از فرم‌هایی که توانایی بازنمایی عصر وی را دارند، آنهایی را برمی‌گزیند که برای او جذابند و می‌تواند خود را از طریق آنها بیان کند. بنابراین عنصر عینی، بیان صریح و بیرونی درون، یعنی عنصر ذهنی است. این اشتیاق به بیان ظاهری عنصر عینی، محرکی خواهد بود که در نیاز درونی تعریف شده است. فرم‌هایی که هنرمند به عاریت می‌گیرد هر روز دستخوش تغییرند و همراه با پیشرفت مداوم آنها، آنچه امروز نشانه هارمونی درونی است، روزی دیگر به هارمونی بیرونی تبدیل می‌شود. بنابراین روشن است که معنویت درونی هنر، از فرم بیرونی هر دوره خاص، تنها به مثابه سنگ بنای بیان آینده بهره می‌برد.

رابطه نزدیک هنر در سراسر دوران‌ها، نه یک رابطه در فرم ظاهری بلکه در معنای درونی است. هنرمند باید تنها تمایل نیاز درونی را ببیند و تنها به کلمات آن گوش دل بسپارد. در این صورت است که می‌تواند با اطمینان شیوه‌های بدیع و استفاده نشده از نظر معاصرینش را به کار گیرد. در این رهگذر همه شیوه‌هایی که از نیاز درونی سرچشمه می‌گیرند مقدسند و همه شیوه‌هایی که بر نیاز درونی پرده ابهام پوشانند نا مقدس. زندگی معنوی که هنر نیز در شمار آن قرار می‌گیرد و از تواناترین پیک‌های آن به شمار می‌رود، حرکتی است بالارونده و رو به پیش که اگرچه پیچیده است اما در عین حال معین است. حرکتی که، حرکت شناسایی است و می‌تواند شکل‌های مختلف به خود بگیرد، اما در اصل همان یک معنی و مقصود را درخود دارد.

اثر حاضر تحت عنوان «معنویت در هنر»، براساس متن مقالات منتشر شده در نشریه‌ی «فرهنگ و زندگی» فراهم شده است، در این چاپ سعی شده ویرایش یا تغییر محتوایی در مقالات صورت نگیرد، چرا که اولاً دسترسی به همه مولفان مقالات امکان نداشته و ثانیاً برخی از نویسندگان به دلایل گوناگون در افکار و اندیشه‌های خود تجدید نظر کرده‌اند. در واقع ناشر بر آن بوده تا چگونگی اندیشیدن در آن زمان را نشان دهد. پس مجموعه دقیقاً براساس همان مقالات و تنها با حداقل تغییر در رسم الخط منتشر شده است.

در برخی از مقالات یک یا چند مورد مغایر با اهداف مورد نظر در انتشار این مجموعه وجود داشته و به دلیل اندک بودن و نکات ارزشمند مقالات، ضمن انتشار متن کامل مقاله، به آن نکات نیز در مقدمه هر جلد توجه داده شده است. مقالات این مجموعه عبارتند از:

- معنویت در هنر، واسیلی کاندینسکی، ترجمه هوشنگ وزیری
- معیاری و بی معیاری نزد پل کلی، یورگ اسپیلر، ترجمه جلال ستاری
- هنر سرخ بوستان، نورمن فدر، ترجمه ناصر کوه گیلانی
- هنر از نظر گاه هگل، کریم مجتهدی
- رابطه جغرافی و هنر در ایران، آرتور اپهام پوپ، ترجمه احمد کریمی